



زیاد است ، بخش های زیادی وجود دارد که هر کدام عملکرد خاصی دارند و اصلاً "گرافیک به سمتی می رود که دنیای خیلی گسترده ای را پیش رو دارد. اگر بخواهیم این پروسه را تکمیل کنیم و بهترین برنامه ها را هم در نظر بگیریم باز در آخر کار باید برای بخشهایی به صورت فوق تخصصی و جداگانه برنامه ریزی کنیم. در سفری که به تورنتوی کانادا کردم، برنامه کالج ها را دیدم ، این برنامه ها در کانادا یا امریکا دوره های کوتاه مدت را پیش بینی می کنند اما وقتی به سر فصل های این دوره ها نگاه می کنید می بینید برای هر بخش از کار طراحی گرافیک در گرایشهای مختلف مثل بخش تبلیغات، نشر و مطبوعات، تلویزیون، سینما، گرافیک محیطی و معماری و هر گرایشی که مرز مشترک بین طراحی گرافیک و علوم و فنون مختلف دارد، چقدر به جزئیات می پردازند. امروز با توجه به این شاخه ها ، دوره های تخصصی شش ماهه، یکساله و دوساله در نظر گرفته اند. فرض کنید فرد در یک دوره چهار ماهه یک گرایش خاص را می خواند ، پیش زمینه هایی هم از قبل دارد یا فرض کنید بیرون بطور تجربی کار کرده است یا تحصیلات دانشگاهی هم دارد اما این گرایش خاص را باید آنجا دقیق تر یاد بگیرد. دانشگاهها هنوز هم به صورت کلی برنامه ارائه می کنند ، ما باید مثل کالج های آنجا تمام نیازهایمان را شناسایی بکنیم و برای هر کدام جداگانه دوره های تخصصی کوتاه مدت طراحی کنیم این طرح رد خور ندارد همه جای دنیا معمول است.

برای آموزش های تکمیلی در مواردی باید مغزهای پخته تر آموزش داده شوند. افرادی که فکرشان منسجم تر شده و دانش بیشتری دارند

– **فرهادی:** با این گفته شما یاد دوران آموزش خودمان در دانشگاه افتادم که دو سال دروس کلی داشتیم ، طراحی می کردیم، واحدهای گرافیک و مجسمه سازی و نقاشی را می گذراندیم و بعد از دو سال تازه رشته انتخاب می کردیم و بطور تخصصی نقاشی ، مجسمه سازی یا گرافیک و ... می خواندیم؛ فکر نمی کنید این شیوه که در آن زمان برگزار می شد شیوه بهتری بود؟

– **اسداللهی:** چرا . آن شیوه ای که آن زمان گذراندیم خیلی عمیق تر بود ، دلیلش هم این بود که در آن دوره در هر صورت می توانستید گستردگی کار را حس کنید بعد درباره ارتباطاتی که طراحی گرافیک با دیگر هنرها و علوم و فنون داشت بیشتر یاد می گرفتید و یک نوع همه جانبه نگری به پختگی ذهن شما کمک می کرد ، فرض کنید

شش واحد فنی معماری و تعدادی واحد در نقاشی داشتیم که هر کدام از این کارگاهها به تنهایی مفید بودند و بروی طراحی که پایه همه اینها بود تاکید بیشتری شد که متاسفانه الان نمی شود. چنین آموزش جامع نگری به ما یاد می داد که وقتی طراحی در قرن بیستم بوجود آمد افراد توانستند نیازهای اجتماعی شان را حس کنند ، اینکه کجا طراحی جامی افتد و حرفی برای گفتن پیدا می کند. وقتی به معماری نگاه می کنید متوجه می شوید که در این زمینه چقدر می توانید مفید باشید ، برای این بخش چقدر می توانید کار کنید، همین آموزش خوشنویسی از آنجا شروع می شود که شما با خط و اهمیت آن در گرافیک که عنصر خیلی گسترده ای است ، آشنا شوید . خط، گرافیک وسیعی ای را می طلبد ، دنیای خاص خود را دارد ، آن واحد را هم می گذرانند بعد کارهایی که مادر حجم سازی می کردیم چقدر می توانست به ما آموزش بدهد که گرافیک دو بعدی است ، بعد از فضای دو بعدی خارج و سه بعدی می شود. شرایط سه بعدی شدن و پروسه برقرار کردن ارتباط در موقعیت سه بعدی می تواند چه شرایطی داشته باشد. فکر می کنم شیوه کارسازی بود که متاسفانه این شیوه را از دست دادیم. آمدیم به لحاظ اینکه بگوییم چهار سال دوره تخصصی برای گرافیک بگذاریم در حقیقت پایه را از زیر کار کشیدیم، تماس دانشجویان فونداسیون از بین رفت یعنی جایی که باید پیامان را محکم روی آن می گذاشتیم را از دست دادیم و دانشجو معلق ماند. با شما موافقم.

– **فرهادی:** در یکی از کلاسهایی که اینجا در خدمت آقای کیارستمی بودیم با قاطعیت معتقد بودند. " کسی که گرافیک بداند در تمامی حوزه های هنری می تواند بهترین کارائی را داشته باشد" و گفتند: " چون نقاشی می دانم و بعد کار گرافیک کرده ام الان در کار سینما به بهترین شکل دارم از آن بهره می برم ". تمامی حوزه های کار سینما را از طراحی صحنه تا کارگردانی را مثال می زدند و می گفتند در موسیقی و حتی در معماری هم همینطور است . نظر شما در این باره چیست ؟

– **اسداللهی:** نظر من هم همین است ، سرنوشت آمه های سرشناس طراحی گرافیک را باید الگو قرار بدهیم و در آموزش از آن استفاده کنیم ، فرض کنید، فردی مثل سائول باس را مثال می زنم که همه می شناسند ، تا اسم سائول باس را می آوریم می گوئیم پدر تیتراژ است ، به سائول باس در سینما جور دیگری نگاه می کنیم، سائول باس کسی است که تمام اصول و تکنیکهای طراحی و نقاشی پایه را بخوبی می دانست ، در طول عمر حرفه ای اش کتابی دارد که بسیار علمی است، یکبار برای کودکان تصویر سازی کرده است که اگر به این کتاب نگاه کنید می بینید چقدر این شخص در طراحی فوق العاده بوده است و خلاصه سازی و بیان گرافیک اش در این کتاب به روشنی

نمایان است. فقط تیتراژ نیست که سائول باس در آن تحول ایجاد کرد ؛ او واقعا "گرافیک را به خدمت سینما در آورد، بعد کارگردانهای باهوشی مثل هیچکاک هم متوجه شوند که طراح گرافیک برای ایجاد جاذبه و کشش در تصویر، مبانی و اصول چیزی را خوب بلد است که شاید کارگردان به ایجاد آن جذابیت فکر نکرده باشد، در نتیجه حتی هیچکاک هم در فیلم روح از سائول باس برای ساخت یکی از سکانس های خیلی تاثیرگذار دعوت می کند. سکانسی که در آن قتلی باید رخ دهد، هیچکاک که آدم باهوشی است، فکر می کند باید بیان تصویری اش را بدست طراح گرافیکی مثل سائول باس بسپارد. سائول باس برای سکانس مورد بحث استوری بورد تهیه می کند و بیان تازه ای را مطرح می سازد. شما می توانید بدون نشان دادن پرسوناژها و عمل قتل، بهترین و ترسناکترین جلوه هنری را در این سکانس پیدا کنید. طراح گرافیک دید خاصی در مقام مشاور کارگردان دارد. همانطور که در مورد آقای کیارستمی مثال زدید که این دیدگاه را درباره خودشان دارند. کارگردانها می توانند با طراح گرافیک در فریم به فریم فیلم همکاری کنند ، نه فقط برای صحنه آزایی که خود تخصص خاص خود را دارد، طراح گرافیک می تواند در مورد بعضی از سکانسها به کارگردان پیشنهاد بدهد که با جابجایی ، تغییر نور، تغییر رنگ، کمپوزیسیون که جزئی از دانش و قدرت طراح گرافیک است، تاثیر گذاری پیام را بیشتر کند و به شکل مکمل کارگردان در کنارش باشد.

بنابر این فکر می کنم طراحان گرافیک متخصصانی هستند که در جاهای خاص می توانند کمک کنند. فقط به کمی هوشیاری نیاز دارند تا در بعضی جاها از طراحان گرافیک بهترین استفاده را بکنند .

– **فرهادی:** در صحبتهایتان به کلمه تکمیل اشاره کردید ، می دانم که باید در دانشگاه آموزش کلی بدهیم. بعد از آن ، به آموزش های تکمیلی و به کالج های کانادا که برای یک یا دو سال آموزش تکمیلی می دهند اشاره کردید، برای کشور خودمان چه فکر می کنید؟ فکر می کنید زمینه های آموزش تکمیلی در اینجا وجود دارد؟

– **اسداللهی:** بله وجود دارد... برای اینکه حس می کنیم کمبود داریم، این آموزشگاهی که الان شما دارید بدلیل نیازی بوده که احساس کردیم و گرنه شاید بدنبال این کار نمی رفتیم. اگر به تکمیل این آموزش ها نیاز نداشتیم بدنبال آن نمی رفتیم. ما کمبودها را احساس کردیم. شما هر جایی که طراح گرافیک می تواند حضور داشته باشد (که وسعت حضورش نیز زیاد است) مثل مدرسه، کالج، آموزشگاه را باید در نظر داشته باشید، برای دوره های کوتاه مدت می توانیم از افرادی که ده یا بیست سال سابقه کار طراحی گرافیک دارند کمک بخواهیم. می توانید برای تخصص های ویژه ایی که در جامعه نیاز داریم برای دوره های ۶ ماهه و یکساله از آنها استفاده کنیم. برای گرایشهای خاص که اصلاً " این کار را در دانشگاه نمی شود انجام داد و علتش اینست که برای آموزش تکمیلی باید در مواردی مغزهای پخته تر آموزش داده شوند، افرادی که فکرشان منسجم تر شده است ، دانش بیشتری دارند که می توانند درس تخصصی ارائه شده برای گرایش خاص را در یابند ، نمی توانید این درس را به فرد دیپلمه آموزش بدهید.

– **فرهادی:** سوال شیطنت آمیزی به ذهنم رسید. آقای اسداللهی شما با این تجربه بسیار وسیعی که در کار گرافیک چه پیش از انقلاب و چه بعد از آن داشتید و سالهای مستمری که در امر آموزش فعال بوده و کلاسهائتان همیشه برای دانشجویان بیاد ماندنی بوده است اگر در حوزه ای از کار گرافیک ، دوره دو سه ماهه ای ارائه شود که فکر کنید در این زمینه احتیاج به تخصص